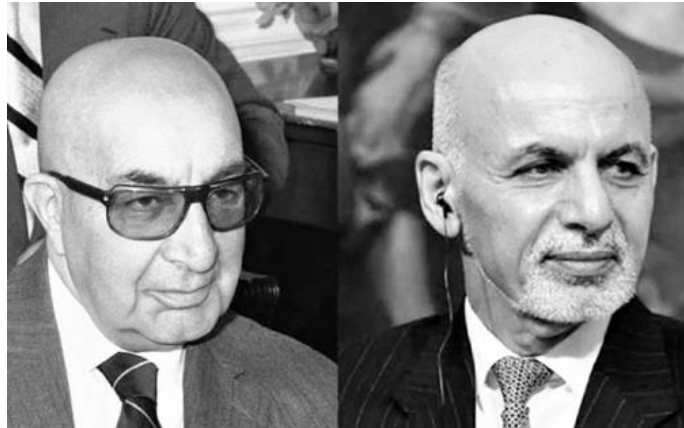


مکتی بر مقاله [اشرف غنی] «به دنبال اقتدار داودخانی»

(روزنامه راه مدنیت/۱۷ دلو ۱۳۹۶)

(نویسنده: سید امین بهراد)



رئيس جمهور اشرف غنی و رئيس جمهور شهيد داودخان

این مقاله برای من از این لحاظ دلچسپ است که دیده میشود در عنوان آن "داودخان" به مثابه الگوی اقتدار و دسپلین تجلی یافته است. از نظر من داودخان زعیمی بود که با درایت تصمیم میگرفت و با قاطعیت عمل میکرد و با چنین قاطعیتی بود که پلانهای توسعه اقتصادی و اعمار بند های آب برای تولید انرژی و توسعه کشاورزی، در وقت و زمانش به پایه تکمیل میرسید. این داودخان بود که تصمیم گرفت به زنان، این نیمی از جامعه افغانستان حق تحصیل و حق کار بدهد تا در عمران و ترقی کشور شلن در کنار مردان سهم بگیرند و از حق و حقوقی برخوردار باشند که مردان از آن برخوردار بودند. از همین خاطر است که مردم افغانستان داودخان را به حیث رهبر توانا و یک خدمتگزار صادق وطن می شناسند.

اما نویسنده از شباهت کاری اشرف غنی با داودخان نام می برد بدون آنکه مشخص کند کدام کار اشرف غنی شبیه با کار داودخان است؟ فقط در لفافه میگوید که اشرف غنی نباید همان راهی را تعقیب کند که داودخان میرفت و سرانجام دولتش با سقوط مواجه گردید پس اگر اشرف غنی میخواهد سقوط نکند و برنامه های اصلاحی اش ناکام نشود، باید از عجله کار نگیرد و دست به کارهای شبیه داودخان نزند!

نویسنده مقاله راه مدنیت، مینویسد:

«کشور ما از پتانسیل های قوی اقتصادی و اجتماعی برخوردار بوده است، اما ضعف مدیریت مرکزی در قرون معاصر، هرگز اجازه انکشاف و توسعه را به ما نداده است. در دوره هایی که فرصت های سیاسی و اجتماعی برای مدیران رهبری جامعه فراهم بوده، بی کفایتی ها و عدم درایت آن ها موجب شده تا این فرصت ها هدر برود. و برعکس زمانی که رهبری سیاسی کشور تلاش کرده کاری انجام دهد، عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست اش را کوتاه کرده است.»

در تاریخ سیاسی قرون معاصر به خصوص در یک قرن اخیر سه بار تلاش شده که بحث **Nation State** با تقویت ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شکل بگیرد، ولی هر بار عوامل مختلف این تلاش‌ها را بی‌نتیجه و منفی پس داده است.

مهمترین تلاش‌های که در عصر داوود خان (از صدارت تا ریاست جمهوری) صورت گرفت - با وجود زمان نسبتاً طولانی - اما مشخص است که چه عواملی این تلاش‌ها را نقش بر آب کرد.

بار اول امیر شیرعلی خان (۱۸۶۸ الی ۱۸۷۸) یک سلسله اصلاحات و تلاش‌های را به تأسی از هدایات سید جمال‌الدین حسینی (افغانی) روی دست گرفت، اما بنا بر یک سلسله ملاحظات سیاسی و حضور قدرت‌مند بریتانیای کبیر، نتوانست به آرزوها و ریفرم‌های خود دست یابد.

بعد از آن شاه امان‌الله فقید (۱۹۱۹-۱۹۲۹) دست به اصلاحات گسترده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زد، ولی عوامل سنتی و بازدارنده پیشرفت نه تنها اجازه نداد که اصلاحات به جایی برسد که او را مجبور به ترک قدرت نیز کرد.

بعد از آن، در شرایطی که کشورهای منطقه و همسایه افغانستان هرچند حرکت‌های نوسانی را در انکشاف و توسعه تجربه می‌کردند با آن هم آرام آرام راه ترقی و پیشرفت را پیمودند. در حالی که افغانستان همچنان در حالت ایستایی و توقف محض است.

بار دیگر سرفصل آغاز اصلاحات و نظریات اصلاحی بعد از صدارت محمد داوود خان کلید می‌خورد. داوودخان در زمان صدارتش برنامه‌های اصلاحی زیادی را در دستور کار خود قرار داد، تا حدی که این اصلاحات او را کمک می‌کند تا محبوبیت زیادی در میان روشنفکران و سیاست‌مداران وقت و مردم افغانستان کسب کند. این محبوبیت کمک زیادی می‌کند تا در سال ۱۳۵۲ صرف با تلفات نه تن، آرام‌ترین کودتای سیاسی منطقه در کشور ما به دست داوودخان رقم بخورد.

داوودخان پس از به قدرت رسیدن، اصلاحات اقتصادی و سیاسی را که در زمان صدارتش انجام داده بود، به شدت و قاطعیت پی‌گیری کرد. او که تا آن زمان سه پلان پنج‌ساله را تا حدی موفقانه به انجام رسانیده بود، توانست وضعیت اقتصادی کشور را دچار تغییر کند و به رشد ۲/۶ برساند.

به این ترتیب او برای اكمال پلان پنج‌ساله چهارم که بخشی از آن را نیز انجام داده بود توفیق نیافت. در شرایط نوین نیز ما چیزی در حدود ۱۳ سال از طلایی‌ترین عصرهای نوسازی و بازسازی کشور را به تعبیر تیمور شاران (نویسنده کتاب دولت شبکه‌ی) بر اثر اعمال سیاست‌های «ارباب رعیتی» از دست دادیم. اگر تلاش‌ها و کمک‌های جامعه جهانی را از کنار کارهای حامد کرزی جدا بسازیم ۱۳ سال حکومت وی برای افغانستان هیچ چیزی در پی نداشته است؛ جز اینکه یک ساختار (جنگسالاری) و مافیایی سیاسی و اقتصادی را به ما تحویل داده است.

اکنون رییس‌جمهور غنی که وارث حکومت معیوب با ساختار سیاسی مافیایی است نیز با موانع زیادی مواجه است. در نتیجه فرصت‌های اصلاحات یا از ایشان گرفته شده و یا هم بسیار محدود گردیده. مشابهت‌های زیادی در برنامه‌های رییس‌جمهور غنی و سردار داوودخان وجود دارد. رهبری سیاسی امروزی ما با همان چالش‌هایی مواجه است که داوودخان در زمان خودش مواجه بود. در عین زمان نوع تعریف برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آقای غنی نیز با برنامه‌های داوود خان همخوانی نزدیک دارد.»

لب ولباب مقاله در سطور بالا بازتاب یافته است. ولی در آخر، پیام مقاله به اشرف غنی اینست که:
"رهبران ملی در افغانستان کمتر مجال بروز و اقتدار داشته اند. با توجه به اینکه برخی از برنامه‌های اقتصادی و سیاسی رییس‌جمهور غنی در تعارض مستقیم با منافع اقتصادی کشورهای همسایه هم قرار دارد، باید راه را طوری رفت که این بار سبوت‌های سیاسی، مانع برنامه‌های توسعه‌ی و انکشافی ما نگردد و دست‌کم بتوانیم برنامه‌های موجود را به ملت افغانستان تحویل بدهیم. به زبان ساده یعنی فرصت داشته باشیم تا درک درست و شعور سیاسی لازم برای مردم ایجاد شود. آنگاه مردم خود مالک برنامه‌های شان می‌شوند."

با دقت در سطور اخیر مقاله میتوان به هدف نویسنده پی برد که به چه منظوری این مقاله به نگارش آمده است. آنطور که من درک میکنم نویسنده به اشرف غنی توصیه میکند که بدنبال اقتدار گرایی داوودخانی نباشد و در برکناری ارباب اقتدار (سران جهادی) و اعمار بندهای آب از عجله نکند تا مبادا همسایه‌ها از او آزرده شوند و او را با سرنوشت امان‌الله خان و داوودخان مواجه کنند. بنابراین باید انتظار بکشید تا مردم خود به اهمیت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی پی ببرند و خود راه تعالی خود را باز یابند.

اما داکتر صاحب کاظم در فیسبوک خود بر این مقاله چنین تبصره کرده اند: "جای شک نیست که اشرف شخص دانشمند و صاحب نظر در امور کشور است و آرزو مند صلح و آرامش و ارتقای زندگی مردم افغانستان میباشد ولی تا رسیدن به جایگاه شاه امان الله غازی و شهید داودخان راه بسیاری درازی در پیش رو دارد و شرایط جاری افغانستان نیز از جوانب مختلف با دوره های قبلی بسیار متفاوت است. اگر چه بعضی سهولت ها از نظر حمایت بین المللی موجود است. مشکلات فراوان در نظم و ثبات داخلی بخصوص در کشمکش قومی فعلا افغانستان را در یک حالت حساس و خطیر قرار داده که بیرون کردن کشور از این حالت کار ساده نیست. لذا باید انتظار کشید و دید که داکتر اشرف چگونه آنچه را در نظر دارد در عمل میتواند پیاده کند...." (منبع فیسبوک)

برخی کارنامه های اشرف غنی از نظر من:

اول- تا آنجا که میدیای جهانی از اجراءات اشرف غنی روزمره گزارش میدهند، اشرف غنی دانشمند و طندوستی است با پلان و برنامه های انکشافی برای وطن و در انجام پلانیهایش از عجله کار نگرفته است. یک نمونه از حوصله مندی اشرف غنی تحمل و صبر او در برابر کلان کارهای ماموران بلند رتبه دولتی اوست. عطا محمد نور والی بلخ در بلند پروازهای کودکانه اش، باری ورقه استعفای خود را به رئیس جمهور پیش کرده بود، ولی رئیس جمهور آنرا منظور نکرد و نزد خود نگهداشت. بعد از سه سال یکه تازی و ادعاهای خود مختاری در بلخ، بالاخره استعفای او را منظور کرد و از وظیفه سبکدوش شناخته شد، اما همین عطا نور تا شش ماه دیگر حاضر به ترک چوکی ولایت نبود و هر روز در دفتر ولایت کنفرانس های و سخنرانی های اعتراضی علیه رئیس جمهور تدویر میکرد و رئیس جمهور را اخطار میداد که او را از ارگ ریاست جمهوری بیرون خواهد انداخت، اما اشرف غنی در برابر این والی که سخنان پوک و کلان میزد، عکس العملی نشان نداد تا آنکه خود عطا محمد نور خود کسی را بحیث والی بجای خود تعیین کرد و بعد از دفتر ولایت بلخ کنار رفت. در همان وقت شنیده میشد که عطا محمد نور پنجاه میلیون دالر مالیات دولت را از دارائی های بی حساب خود نپرداخته است و اشرف غنی میتواندست، این موضوع را به ادارات قضائی بسپرد تا به عنوانی کسی که پول دولت را اختلاس نموده، برایش دوسیه بسازد، ولی اشرف غنی این کار را نکرد.

در همان زمانی که عطا محمد نور حاضر نبود از تخت ولایت بلخ پائین آید، حادثه دلخراش حمله انتحاری بر هتل انترکانتی ننتل در شب رخ داد و حدود ۲۰ نفر از مهمانان خارجی و کدرهای دولتی در آن جانهای خود را از دست دادند، و بالاخره معلوم گردید که رئیس شرکت محافظین آن هتل که از رفقای نزدیک عطا نور بوده با چند نفر از بلند پایگان پولیس وزارت داخله در راهنمایی افراد انتحاری دست داشتند. محکمه متهمین را بجای اعدام، هریک را به ۳۰ سال زندان محکوم کرده است.

دوم- بغاوت قوماندان رازق قندهاری به حمایت از عطا محمد نور حرکت دیگری غیرقانونی بود که اشرف غنی را اخطار داد که اگر فرمان موقوفی عطا محمد نور را باطل نسازد، او هم منبهد از فرامین رئیس جمهور اطاعت نخواهد کرد. وقتی از وی پرسیدند که ترا هم همین رئیس جمهور مقرر نموده و میتواند برطرف نماید، قوماندان رازق به رسانه ها گفت که مرا مردم مقرر کرده اند و تا مردم نخواهد رئیس جمهور نمیتواند مرا موقوف نماید؟! اما اشرف غنی باز هم از تحمل کارگرفت و سخنان قوماندان امنیه قندهار را جدید نگرفت و در صدد موقوفی وی نگردید تا آنکه بر سر بر خورد با نیروهای سرحدی پاکستان که مصروف نصب سیم خاردار بر خط دیورند و در اثر یک پلان استخبارات

پاکستان در قندهار بدست یک طالب شهیدگردید و رئیس جمهور هدایت داد تا جسد او را در محوطه خرقه شریف قندهار مطابق نقشه و پلان خود مردم قندهار از بودیجه دولت اعمار کنند.

سوم- قضیه ایشچی و جنرال دوستم چنان خجالت بار بود که کشورهای اروپائی و حتی امریکا از اشرف غنی خواستند تا موضوع تجاوز جنسی رشید دوستم معاون اول خود را برایشچی بطور جدی مورد پیگرد قانونی و قضائی قرار دهد. دوستم افراد خود را به پولیس تسلیم نمود و خود به بهانه تداوی به ترکیه رفت و پس از مدت یکسال با وساطت ترکیه اجازه بازگشتش میسر گردید.

چهارم- دستگیری چند جنگسالار گروه های مسلح غیر مسئول از قبیل نظام الدین جوزجانی و علیپور هزاره از میدان وردک و یکی دونفر از روزگان و قندوز و افشای لیست پانزده گروه آدم ربائی و اختطاف گر و دزدان حرفه ای و تروریست از طرف وزیر داخله امرالله صالح، نباید به حساب اصلاحات تندروانه اشرف غنی محاسبه شود و او را در اجرای وظایف دولت که تامین امنیت شهروندان از وظایف تاخیر ناپذیر هر دولتی است، برحذر داشت.

پنجم- اما آنچه بوجه ملی و سیاسی اشرف غنی افزوده است، کارها دیگری است که نویسنده مقاله بطور مستقیم به آنها اشاره نکرده است، و بطور ملفوف آنها را از جمله دنباله روی اقتدار گرایانه داودخان نامیده است. حالانکه برداشتن گام های مفید در راه رفاه مردم و حفظ منافع ملی به معنای اقتدار گرائی نیست، بلکه اجرای کارهای مفید به نفع ملت و برای ترقی و تعالی کشور از وظایف هر دولت و هر حکومتی است که وعده خدمتگزاری به مردم خود داده اند.

ششم- برخی از کارکردهای اشرف غنی، در تحت شرایط و امکانات ملی و بین المللی انجام گرفته است که در زمان داودخان انجام آن ممکن نبود، مثلاً افتتاح پایپ لاین تاپی (ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند) در سال ۲۰۱۵، از طرح به عمل رسید. افتتاح لوله گاز تاپی از ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هندوستان یکی از اقدامات کم نظیر اقتصادی برای مردم افغانستان است. پایپ لاین تاپی نقش مهمی در ثبات و امنیت افغانستان بازی میکند و امکانات توسعه را در کشورهای جنوب آسیا که به شدت به انرژی نیاز دارند به بار می آورد.

پایپ لاین تاپی ۱,۰۷۸ مایل طول دارد که ۳۳ میلیون مترمکعب گاز طبیعی را از ترکمنستان از طریق افغانستان-پاکستان به هند انتقال می دهد. افتتاح پایپ لاین تاپی موجی از استقبال افغان ها را در قبال داشت. آن ها در کابل، ننگرهار، قندهار و هرات از افتتاح پروژه تاپی طی مراسم هایی استقبال کردند. از دیدگاه رییس جمهور غنی نیز با عملی شدن تاپی، نقش افغانستان به عنوان مسیر کلیدی در آسیا به حقیقت بدل می شود. (۸ صبح)

هفتم- وصل کردن افغانستان به بندر تجارتي چاه بهار ایران بحدیث بدیلی برای ترانزیت مال التجاره افغانی از کراچی پاکستان. در زمان داودخان، هنوز پروژه بندر تجارتي چاه بهار ایران، مطرح نشده بود تا افغانستان و هندوستان بعوض پاکستان، به ایران رجوع کنند و امتیاز تجارت ترانزیتی آن را کسب کنند.

تجارت افغانستان مخصوصاً تجارت ترانزیتی با کشورهای همسایه همواره با مشکلات جدی روبرو بوده و به بهانه های مختلف خسارات هنگفتی به اقتصاد کشور وارد میشود. بنابراین افغانستان نیاز دارد تا در جستجوی راه های بدیل باشد، وابستگی و آسیب پذیری خود را از مسیر یک یا دو کشور همسایه، کاهش دهد.

برای نیل به چنین اهدافی اشرف غنی در سال ۲۰۱۷م دو دهلیز هوایی برای انتقال سریع امتعه صادراتی افغانستان در شهرهای کابل و قندهار به قصد اروپا گشود. پس از گشایش دهلیز هوایی

افغانستان - کشورهای آسیایی و اروپایی، تا اکنون ۵۴۰۰ تن محصولات و تولیدات افغانستان شامل: میوه تازه و خشک، گیاه هینگ، صنایع دستی، قالین، پوست قره قول و زعفران به خارج صادر شده است. سومین دهلیز هوایی افغانستان - اروپا، روز در شهر مزار شریف گشایش یافت. در نخستین پرواز از طریق این دهلیز، پنج تن میوه خشک به بریتانیا صادر شد. (راديو صدى امريكا، ۱۹ جدي ۱۳۹۷)

وزارت زراعت افغانستان روز ۶ دسمبر اعلام کرد که ظرف یک ماه گذشته، بیش از پنجمصد تن جلعوزه به چین صادر کرده و انتظار می‌رود تا پایان سال ۲۰۱۸، این صادرات به بیش از یک هزار تن برسد. صادرات جلعوزه به چین، پس از گشایش دهلیز هوایی تجارتي رونق یافت. به گفته وزارت زراعت افغانستان، بازار جلعوزه در کشورهای هند، امارات متحده عربی و برخی از کشورهای اروپایی نیز گرم است. (راديو صدى امريكا، ۱۶ اوس ۱۳۹۷ (۹ دسمبر ۲۰۱۸))

بازکردن راه تجارتي لاجورد با همکاری با ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه است که به منظور کاهش موانع ترانزیتی و تجارتي و توسعه عملیات مشترک گمرکی بین کشورهای فوق الذکر، دسترسی به بنادر بحری جهت کاهش وابستگی افغانستان به کشورهای همسایه، فوق العاده مهم است. این دهلیز ترانزیتی از بنادر آقینه و لایت فاریاب و تورغندی ولایت هرات شروع و از طریق بندر ترکمن باشی ترکمنستان ادامه یافته و با گذشتن از بحیره خزر به باکو پایتخت آذربایجان و سپس به تفلیس پایتخت گرجستان تا بنادر پوتی و باتومی بحیره سیاه و در ضمن از شهر قارص به بنادر استانبول ترکیه و در نهایت به اروپا منتهی میشود.

<http://www.acci.org.af/da/articles/890-n.html>

هشتم- چیز دیگری که بروجه ملی و بین المللی اشرف غنی افزوده است، اینست که با وجود مانع تراسی های رئیس اجرائیه و قلدر نمائی های سران جمعیت و شورای نظار در تطبیق برنامه های مبارزه با فساد اداری، او اولین شخصیت سیاسی افغان بعد از ۲۰۱۴ است که توجه خود را علاوه بر ایجاد راه های جدید ترانزیتی، بر مدیریت آبهای سرکش کشور و ساخت و ساز بندهای برق و بهره برداری از آب در انکشاف امور کشاورزی معطوف نموده است.

اقدامات اشرف غنی در جهت مدیریت آبهای رودخانه های کشور با اكمال بند سلما در هرات و آغاز فاز سوم بند کمالخان در نیمروز بر رودخانه هلمند و نصب توربین های تولید انرژی در بند کجکی و امضای قرارداد بند بخش اباد فراه با یک کمپنی ایتالوی، توسعه بند سروبی و تکمیل بند پروان و مهار کردن آب رودخانه کنر و کابل و تلاش برای مدیریت این ثروتهای طبیعی تا کنون قسماً موفق آمیز بوده و همان نقشه راهی است که داودخان در پیش گرفته بود و اشرف غنی میخواهد حتی المقدور آن را طی کند.

تفاوتها و تندرایی این دو رئیس جمهور را در بحث بعدی بررسی خواهیم کرد.